

مقایسه مفهوم انسان اقتصادی در نظام اقتصادی سرمایه‌داری با نظام اقتصادی اسلام و بازتعریف این مفهوم در نظام اقتصادی اسلام^۱

نوع مقاله: پژوهشی

رقیه عبدلی‌نژاد^۲

حمیدرضا حرّی^۳

سید عبدالمجید جلائی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۱

چکیده

این پژوهش به دنبال بررسی مفهوم انسان اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام و مقایسه آن با مفهومی است که نظام اقتصاد سرمایه‌داری ارائه می‌کند. بنابراین با کمک روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و جمع‌آوری داده‌های کافی از دل آیات قرآن کریم، این نتیجه حاصل شد که علی‌رغم اعتقاد نظام اقتصاد سرمایه‌داری مبنی بر تعریف انسانی که به دنبال حداکثر کردن منافع مادی خود است و برای کسب لذت و سود بیشتر، دست به رقابت با سایر اعضای جامعه می‌زند، در نظام اقتصادی اسلام هدف انسان‌ها رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی است و یکی از شروط مهم رسیدن به این جایگاه ایجاد برادری و دوستی بین اعضای جامعه و سهم‌کردن دیگران در بخشی از مال و ثروت خود می‌باشد. در نتیجه در نظام اقتصادی اسلام علاوه بر اینکه افراد در سطح خود به تأمین معاش پرداخته و بهره خود را از دنیا برمی‌دارند، اما هیچ دلبستگی‌ای به مال و ثروت نداشته و با شریک‌کردن دیگران در بخشی از مال خود، رفاه عمومی را در سطح کلان برای کل جامعه تأمین می‌کنند.

کلیدواژگان: انسان اقتصادی، نفع شخصی، لیبرالیسم اقتصادی و نظام اقتصادی اسلام.

طبقه‌بندی JEL: B12، B29، D10

۱ - این مقاله از رساله دکتری نویسنده مسئول استخراج شده است.

۲ دانشجوی دکتری اقتصاد بین‌الملل، دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)

roghayeh.abdoli@gmail.com

Horryhr@uk.ac.ir

jalaee@uk.ac.ir

۳ - دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

۴ - استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

مهم‌ترین تعریفی که در کتب اقتصادی از اقتصاد ارائه شده این است که «اقتصاد علم تخصیص بهینه منابع محدود به نیازهای نامحدود انسان» است (ابونوری، ۱۳۹۷، ص ۱۳). طبق این تعریف انسان موجودی است تنوع‌طلب، که نیازهای مادی او هیچگاه تمام نمی‌شود. با توجه به اینکه منابع روی زمین محدود هستند، لازم است انسان در تأمین نیازهایش بهینه عمل کند. بهینگی و تعادل در اقتصاد نیز زمانی محقق می‌شود که منابع به تأمین نیازهایی از بشر تخصیص یابد که برای او بیشترین سود یا لذت را به ارمغان می‌آورد.

این تعریف زمانی جدی شد که آدام اسمیت کتاب ثروت ملل را نوشت و نظامی را طراحی کرد که در آن افراد به تأمین منافع شخصی خود می‌پردازند. مهم‌ترین خصوصیت انسان در نظام اقتصاد سرمایه‌داری «بیشینه‌سازی منافع مادی و حداقل‌سازی هزینه‌ها» می‌باشد. چنین انسانی با عنوان «انسان اقتصادی» شناخته می‌شود. اقتصاددانان برای انسان اقتصادی شاخصی معرفی می‌کنند که در چارچوب آن رفتار وی قابل پیش‌بینی می‌گردد. این شاخص «عقلایی‌بودن» رفتار است. یعنی اگر انسان انتخاب‌هایی داشته باشد که منفعت او را حداکثر نکند، انتخاب‌هایش عقلایی نیست و اقتصادی رفتار نمی‌کند. اقتصاددانان سرمایه‌داری معتقد هستند، انسان تنها زمانی عقلایی رفتار نمی‌کند که یک عامل بیرونی، مانند دولت در انتخاب‌های او دخالت کند (نمازی، ۱۳۹۲).

تاریخچهٔ پرفراز و نشیب سرمایه‌داری نشان می‌دهد که این نظام در دل خود بحران‌زا است. سرمایه در کنار دستاوردهایی که داشته است، با حرکتی دور از عقلانیت، ثروت را همراه با بحران و پیشرفت را همراه با عقب‌ماندگی ایجاد کرده است. به همین دلیل یکی از مناقشات بسیار پررونق اقتصاد سرمایه‌داری از آغاز تاکنون، نوع نگاه این نظام به انسان و سرمایه بوده است. نظام اقتصاد سرمایه‌داری تعریفی از انسان به نمایش می‌گذارد که مشهور به «انسان صنعتی» است. در این تعریف دو گونه انسان به چشم می‌خورد. یک گونه همان سرمایه‌دارانی هستند که سرمایه را به کار گرفته، نیروی کار را استخدام کرده و با ترکیبی از این دو، دست به تولید می‌زنند تا سود خود را حداکثر کنند. گونهٔ دیگر همان کارگرانی هستند که در فرایند تولیدی مشارکت می‌کنند که هیچ کنترلی بر آن نداشته و همانند چرخ‌دنده‌های یک ماشین بزرگ به تولید محصولات اشتغال دارند که خود هیچ سهمی در مالکیت آنها ندارند (واروفاکیس، ۱۳۹۸).

نتایج بحران‌زایی که از دل نظام اقتصاد سرمایه‌داری بیرون می‌آید و منجر به برقراری رکودهای طولانی، تورم‌های سنگین و گاهی رکودهای توأم با تورم می‌گردد، همگی ناشی از تعریفی است که آنها از انسان ارائه کرده‌اند. به نظر می‌رسد سودمحوری و مادی‌گرایی تنها برچسب‌هایی باشند که به «انسان صنعتی» عصر حاضر تعلق می‌گیرند. به همین دلیل مقالهٔ پیش رو تعریف انسان اقتصادی

در نظام اقتصاد سرمایه‌داری را بررسی و نقد کرده و آن را با تعریفی که نظام اقتصادی اسلام از انسان اقتصادی ارائه می‌کند، مقایسه می‌نماید؛ تا بهترین جایگاه را برای انسان اقتصادی در عصر حاضر معین نماید. به این ترتیب در ادامه مقاله پس از بررسی پیشینه پژوهش، مبانی نظری مرتبط با موضوع تشریح شده و پس از آن داده‌های مقاله مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. پس از بررسی داده‌ها نتیجه‌گیری مقاله توضیح داده شده و در نهایت جمع‌بندی نهایی ارائه می‌شود.

۱. ادبیات موضوع

۱.۱. پیشینه داخلی

حسامی عزیزی و علی‌پور (۱۳۹۳) به بررسی رویکردهای مختلف انسان اقتصادی پرداخته‌اند. آنان نتیجه می‌گیرند که تمام اندیشه‌ورزان خصوصیت حداکثر کردن منافع را برای انسان قبول دارند فقط برخی اندیشمندان مانند اندیشمندان مسلمان بعد اسلام و آخرت را نیز برای آن در نظر می‌گیرند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که الگوی انسان اقتصادی مسلمان از دو عنصر «فطرت» و «بقای روح» استفاده می‌کند و برخلاف نظام اقتصاد سرمایه‌داری به بُعد معنوی نیز اهمیت می‌دهد. شعبانی و عربلو (۱۳۹۷) در مقاله خود به این پرسش پاسخ می‌دهند که چگونه می‌توان حدّ ارضای نیاز انسان را از درون مهار کرد و به کنترل درآورد؟ آنها برای پاسخ به این پرسش از منابع دینی مؤلفه‌هایی را برای کنترل رفتار اقتصادی انسان‌ها شناسایی کرده‌اند که به کمک آنها می‌توان توزیع منابع را عادلانه‌تر کرد. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: یاد مرگ، ناپایداری لذت‌های دنیوی، هم‌نشینی با فقرا، ساده‌زیستی مسئولان، بیماری‌ها، تبدیل جهل به علم و در نهایت انفاق. هادوی نیا (۱۳۹۸) این پرسش را بررسی می‌کند که بر اساس آموزه‌های دین اسلام، الگوی انسان اقتصادی چگونه قابل ترسیم است. وی معتقد است که انسان دارای سه بُعد وجودی مادی، معنوی و اخروی است. بنابراین مهم‌ترین فرضیه این است که «مهم‌ترین قاعده رفتاری در الگوی انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام، بیشینه‌سازی بهره‌مندی‌های مادی، معنوی و آخرتی با بهترین ترکیب است». این فرضیه در مصرف، تولید و توزیع اثرگذار است. به این صورت که انسان در مصرف، تولید و توزیع به هر سه بُعد وجودی خود توجه کرده و تابعی را ایجاد می‌کند که هم شامل موارد مادی، هم معنوی و هم اخروی می‌گردد.

کاظمی نجف‌آبادی و انصاری (۱۳۹۹) به دنبال بررسی این موضوع بوده‌اند که تأمین منافع عمومی در نظام اقتصادی اسلام و نظام اقتصاد سرمایه‌داری، چه تفاوتی دارند. آنها بیان می‌دارند که در نظام اقتصاد سرمایه‌داری، رفتار عقلایی افراد ایجاب می‌کند که انگیزه‌ای برای هزینه‌کردن در

تأمین کالاهای عمومی نداشته و به دنبال سواری مجانی باشند. اما در نظام اقتصادی اسلام این گونه نیست. بر اساس شیوه حکومت‌داری و سخنان امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، افراد منافع شخصی خود را در منفعت اخروی خود می‌بینند که تنها با جلب رضایت پروردگار حاصل می‌شود. انگیزه بیشینه‌سازی رضایت خداوند همه رفتارها را در جهت تأمین منافع عمومی بسیج کرده و هم‌افزایی به وجود می‌آورد. شرط تحقق چنین شرایطی نیز بستگی به تربیت توحیدی افراد جامعه، وجود حکومت دینی و میزان ولایت‌پذیری مردم دارد.

بافنده ایماندوست (۱۴۰۰) نیز تلاش نموده است که مفهوم مهم انسان اقتصادی را در اقتصاد نئوکلاسیک معرفی کند و زوایای مختلف آن را مورد نقد قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نگاهی که مکتب نئوکلاسیک به انسان دارد با مبانی ارزشی و واقعیت‌های جوامع مختلف سازگار نیست. مهم‌ترین خصیصه‌ای که انسان غربی در مکاتب مختلف دارد نفع‌گرایی بی‌حد و حصر و فردیت مطلق است. نویسنده معتقد است که این خصوصیات نه تنها توسط مبانی اقتصاد اسلامی بلکه توسط خود اقتصاددانان غربی مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. به همین دلیل نمی‌توان این مفاهیم را بدون هیچ‌گونه بررسی و مذاقه‌ای وارد کتب درسی نمود و آنها را با قاطعیت به دانشجویان آموزش داد.

۲.۱. پیشینه خارجی

بودروا (۲۰۱۲) در مقاله خود به بُعد روان‌شناسی رفتار اقتصادی توجه کرده و یک نظریه انسانی متحدکننده که ترکیبی از روان‌شناسی انسان‌گرا و نظریه بهینه‌سازی مطلوبیت است، را ارائه می‌کند. او بیان می‌دارد که مفهوم «سودمندی» برای روان‌شناسان پوچ است، در حالی که مفهوم «خودشکوفایی» تقریباً در علم اقتصاد ناشناخته است. وی با کمک هرم نیازهای مازلو، انسانی را تعریف می‌کند که به دنبال رفع نیازهای خود، از نیازهای مادی سطح پایین مانند خوردن و آشامیدن تا نیازهای سطح بالا مانند خودشکوفایی، درخشیدن، نوع‌دوستی و ... است. نتایج وی نشان می‌دهد که انگیزه‌های سطح بالا همچنان رویکرد انسان عقلایی و خصوصیات تابع مطلوبیت را حفظ می‌کند.

برزر پیرا (۲۰۱۷) ساختار لیبرالیسم اقتصادی را در بوتۀ نقد گذاشته و نشان می‌دهد که سرمایه‌داری دو حالت توسعه‌گرا و لیبرالی دارد که هیچ کدام به طور دائم نمی‌توانند بر ساختار اقتصادی، حاکم باشند. او توضیح می‌دهد که لیبرالیسم اقتصادی شکل «عادی» یا «پیش‌فرض»

۱ - Bernard C. Beaudreau

۲ - Luiz Carlos Bresser-Pereira

سرمایه‌داری نیست، بلکه بین سرمایه‌داری توسعه‌ای و سرمایه‌داری لیبرال یک منطقه خاکستری وجود دارد. او نشان می‌دهد که حتی نئولیبرالیسم نیز مرحله‌ی جدیدی از سرمایه‌داری نیست. در واقع نئولیبرالیسم یک لحظه‌ی رادیکال و قهقرایی در تاریخ سرمایه‌داری با هدف کاهش هزینه‌های دستمزدی و غیرمزدی از طریق مقررات زدایی از بازار کار بود.

مولر استال^۱ (۲۰۱۹) در مقاله‌ی خود نقدی بر درک غالب از رابطه بین نئولیبرالیسم و لیبرالیسم کلاسیک قرن نوزدهم در اقتصاد سیاسی بین‌المللی معاصر ارائه می‌کند. وی بیان می‌کند علی‌رغم دیدگاه لیبرالیسم مبنی بر آزادی نیروهای اقتصادی در بازار و تعادل خودکار اقتصادی، لیبرالیسم قرن نوزدهم نیز با استفاده فعال از قدرت دولتی و قانون‌گذاری مشخص می‌شود. این مقاله از طریق مطالعه تاریخی دو مورد از بریتانیای قرن نوزدهم، اصلاح قانون ضعیف و استاندارد طلایی، استدلال می‌کند که دولت حتی در دوران اوج لیبرالیسم لسه‌فر، نقش اصلی را ایفا کرد.

ما و لیو^۲ (۲۰۲۳) به رفتارهای اقتصادی افراد در صرفه‌جویی انرژی دقت کرده و دو گونه «انتخاب عاطفی» و «انتخاب عقلایی» را تعریف می‌کنند نتایج آنان. با استفاده از روش تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی، معادله ساختاری و روش بوت استرپ بر اساس ۵۴۳ نمونه نشان می‌دهد که شخصیت عاطفی و شخصیت منطقی تأثیر مثبتی بر رفتار صرفه‌جویی در انرژی افراد دارند اما شخصیت عاطفی تأثیر مثبت بیشتری نسبت به شخصیت منطقی دارد. همچنین جو محیط اجتماعی می‌تواند تأثیر مثبت شخصیت عاطفی را بر رفتار صرفه‌جویی در انرژی تقویت کند.

سانوریس^۳ (۲۰۲۴) اما لیبرالیسم را از بُعد دیگری بررسی کرده و به تأثیر ارتباط بین نهادهای طرفدار بازار و فرهنگ‌های فردگرایی و تأثیر متقابل آنها بر اندازه اقتصاد سایه می‌پردازد. وی با استفاده از داده‌های تابلویی برای ۶۴ کشور از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۷، نشان می‌دهد که کشورهای آزاد اقتصادی که اصالت فرد را بر اصالت جمع ترجیح می‌دهند، به طور متوسط با اقتصادهای سایه کوچک‌تر مرتبط هستند. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد که فرهنگ‌های فردگرا، تأثیر نهادهای رسمی حمایت از بازار را در کاهش اندازه اقتصاد سایه تقویت می‌کنند و بالعکس.

۲. مبانی نظری

۱ - Rune Moller Stahl

۲ - Yuan Ma & Changshan Liu

۳ - James W. Saunoris

تا پیش از دوران انقلاب صنعتی و به خصوص در دوران قرون وسطی، نظام اقتصادی حاکم بر اروپا یک نظام فئودالی بود. حاکمان کلیسا نیز با برقراری اندیشه اقتصاد مکتبی^۱ سعی داشتند که ثروت‌اندوزی را زشت جلوه داده و قناعت را سرلوحه زندگی مردم قرار دهند. پس از گذشت چندین دهه، بروز جنگ‌های متعدد و ضعیف شدن حاکمیت کلیساها، قرون وسطی در اروپا برچیده شد و پادشاهان و دولت‌های مرکزی روی کار آمدند (غفاری فرد، ۱۴۰۰).

پایان قرون وسطی با آغاز استعمارگری و ثروت‌اندوزی برخی کشورهای اروپایی همراه بود. با آغاز شرایط جدید در اروپا ساختار فئودالی اقتصاد برچیده شد و ساختار ثروت‌اندوزی جایگزین گردید. ثروت‌اندوزی‌های استعماری زمینه برقراری تفکری را فراهم کرد که امروزه به عنوان «مرکانتیلیسم»^۲ شناخته می‌شود. طبق این تفکر هرچقدر که دولت‌ها طلای بیشتری اندوخته و واردات کمتری داشته باشند، قدرتمندتر هستند (ناردو، ۱۳۹۹). دولت‌ها نیز برای تثبیت قدرت خود به افراد و شرکت‌های مختلف اجازه می‌دادند که به کشف سرزمین‌های تازه بپردازند و با غارت منابع طبیعی و انسانی آنها روز به روز بر ثروت خود در جهان بیفزایند.

چنین شرایطی برای اروپاییان بسیار خوشایند بود و حتی پای فیلسوفان و اندیشمندان نیز به کسب ثروت از طریق استعمار و خرید سهام شرکت‌های استعماری باز شد. به طوری که فیلسوفی به نام «برنارد مندویل»^۳ در اثر خود با عنوان «کندوی غرغرو» در سال ۱۷۰۵ این طور سرود:

«اگر افراد سودجو، خودخواه و جنگ طلب نباشند، هیچ قاره جدیدی کشف نمی‌شود، هیچ اختراعی صورت نمی‌گیرد و هیچ کالای زینتی تولید نمی‌شود ... کسانی که سودجویی، حرص، خودخواهی و منفعت طلبی را زشت می‌شمارند، انسان‌های غرغروی هستند که می‌خواهند جلوی پیشرفت جامعه را بگیرند» (میرکیایی، ۱۴۰۱).

با افول قدرت کلیسا این تفکرات به دیدگاهی منجر شد که به آن «فلسفه دئیسم»^۴ می‌گویند. طبق این دیدگاه خداوند معمار بازنشسته است و فقط عالم خلقت را ایجاد کرده است. وی هیچ دخل و تصرفی در زندگی بشر نداشته و انسان از تمامی قید و بندها آزاد است تا به ارضای نیازهای مادی خود بپردازد (نمازی، ۱۳۹۱). از این دوران به بعد تفکرات «انسان‌محوری»^۵ بر اندیشه کل جامعه اروپا حاکم گردید و فیلسوفان بسیاری سعی کردند تا جایگاه انسان مادی را در طبیعت

۱ - Scholastic School

۲- Mercantilism School

۳ - Bernard de Mandeville

۴ - Deism

۵ - Humanism

مشخص کرده و حس لذت‌گرایی بشر را توجیه کنند. جرمی بنتام^۱ از جمله فیلسوفانی بود که اعتقاد داشت «طبیعت، انسان را زیر سیطره دو قوه فائده قرار داده که همانا رنج و لذت است». پس کسب حداکثر لذت و به حداقل رساندن رنج‌ها امری کاملاً عقلانی است و اگر فردی در زندگی مادی خویش این هدف را نداشته باشد، رفتارهای او عقلایی نخواهد بود (آربلاستر، ۱۹۸۸). سرآمد تمام این نظریات، نظرات اقتصاددان مشهور، آدام اسمیت^۲ است که در کتاب ثروت ملل خود منتشر و به طور رسمی پایه‌های مکتب کلاسیک را ایجاد کرد. آدام اسمیت در کتاب خود این طور می‌نویسد:

«بشر همیشه به کمک دیگران نیاز دارد و بیهوده است که فکر کند، می‌تواند این کمک را از حس خیرخواهی آنها به دست آورد ... حس خیرخواهی و بشردوستی گوشت‌فروشی و نانوا نیست که غذای ما را تأمین می‌کند؛ بلکه توجه آنها به نفع خودشان است که موجب این کار می‌شود. هیچ‌کس به طور کلی به حس رأفت و انسان‌دوستی مردم متکی نیست، مگر گدایان». با توضیحات گفته‌شده می‌توان برای انسان اقتصادی از دیدگاه نظام اقتصاد سرمایه‌داری چند خصوصیت مهم ذیل را ذکر کرد:

- ۱- منفعت طلبی: نفع‌طلبی انسان ریشه در «فردگرایی» او دارد. فردگرایی بدین معنا است که افراد در تأمین منافع شخصی خود کاملاً آزاد هستند و زندگی‌شان تحت کنترل خداوند، دولت یا سایر افراد جامعه نیست. فردگرایی دو ویژگی اصلی و مهم دارد: اول مالکیت خصوصی و دوم رقابت و تنازع بقایی که در آن اصلح باقی می‌ماند.
- ۲- عقلانیت ابزاری: طبق این ویژگی، عقل انسان حکم می‌کند که دائماً به دنبال کسب حداکثر لذت و «بیشینه‌سازی منافع مادی» خود باشد و در این راه باید منابع را طوری با فناوری موجود ترکیب کند که مخارج را حداقل و سود خود را حداکثر نماید (هادوی نیا، ۱۳۸۲).

این دو ویژگی در نظریات اقتصاددانان کلاسیک، اقتصاد را به جایی رساند که معتقد بودند، منفعت شخصی افراد منفعت کل جامعه را تأمین کرده و اقتصاد به طور خودکار به تعادل می‌رسد. به همین دلیل یکی از فروض مهم کلاسیک‌ها «بازارهای رقابت کامل» همزمان با «اشتغال کامل» بود.

۱ - Jeremy Bentham

۲ - Adam Smith

این دیدگاه به سرعت در اقتصاد جوامع سرمایه‌داری منتشر گردید و موجب شد که افراد هر چه بیشتر به کسب ثروت‌های مادی پرداخته و روز به روز ساختار سرمایه‌داری اقتصاد را پررنگ‌تر کنند. اما این ساختار آنگونه که اسمیت و سایر اقتصاددانان کلاسیک خوشبین بودند، به نتایجی که انتظار می‌رفت، منتج نشد. اولین تعارض منافع در قرن نوزدهم بین کارگران و کارفرمایان در آمریکا ایجاد شد. ساعات کار بسیار طولانی در کنار دستمزدهای به شدت کم، معیشت کارگران را در وضعیتی وخیم قرار داد؛ به نحوی که عمر مفید کارگران تنها ۲۸ سال بود. شرایط سخت کارگران به حدی رسید که اولین جنگ داخلی کارگران را علیه کارفرمایان شکل داد. (باترا، ۱۳۶۹).

اما اوج بحران در نظام اقتصاد سرمایه‌داری رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ آمریکا بود که به بدترین شکل خود بروز کرده و اقتصاد را با خطر جدی فروپاشی مواجه کرده بود. تمامی اقتصاددانان از درک آنچه در حال وقوع بود عاجز بودند. تنها اقتصاددانی به نام کینز توانست توضیح دهد که چگونه «کمبود تقاضای مؤثر» در اقتصاد که عامل اصلی آن «نگیره‌های سوداگری افراد جامعه» بود، اقتصاد را با بحران مواجه کرده و به ورطه رکود کشانده است. کینز معتقد بود که اقتصاد در ذات خود ناپایدار است و منافع فردی افراد هیچگاه به تأمین منافع عمومی جامعه منجر نمی‌گردند. وی تنها راه نجات اقتصاد از این شرایط را دخالت دولت در اقتصاد و مخارج وی می‌دانست (اسنودان و وین، ۱۳۹۸).

علی‌رغم دخالت دولت در اقتصاد و نجات اقتصاد سرمایه‌داری از رکود بزرگ، این نظام هیچگاه از بحران‌رهایی پیدا نکرده، بلکه روز به روز به بحران‌های عمیق‌تری دچار شده است. به طور کلی از تحلیل مفهوم انسان اقتصادی در نظام اقتصاد سرمایه‌داری، می‌توان نتایج ذیل را برداشت کرد:

- ۱- دو اصل مهم و زیربنایی نظام اقتصاد سرمایه‌داری «منفعت‌طلبی» و «مادی‌گرایی» هستند. این دو اصل منجر به اصل مهم «لیبرالیسم اقتصادی» می‌گردند که دو محور «آزادی بی حد و حصر کارگزاران اقتصادی» و «اصالت فرد» را دربرمی‌گیرد.
- ۲- عملکرد کارگزاران اقتصادی در نظام اقتصاد سرمایه‌داری به گونه‌ای است که نفع فردی هیچ‌گاه به تأمین منافع عمومی منجر نشده، بلکه زمینه را برای بروز انحصارات و ناعدالتی‌های اقتصادی فراهم می‌کند.
- ۳- زمانی که اقتصاد به بحران دچار شد نیروهای بازار تنها شرایط را وخیم‌تر می‌کنند. تنها دخالت دولت است که می‌تواند اقتصاد را از خطر سقوط و فروپاشی نجات دهد.

با توجه به توضیحات ذکرشده، در ادامه با تحلیل آیات قرآن کریم، مفهوم انسان اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام بررسی شده و با این مفهوم در نظام اقتصاد سرمایه‌داری مقایسه می‌گردد.

۳. روش پژوهش

روش تحلیل محتوا^۱ از جمله روش‌های تحلیل کیفی^۲ متن‌کاو و متن‌محور است که در آن «مفهوم» و «معنای» متن در کنار «عدد» و «شمارش» از اهمیت والایی برخوردار بوده، به گونه‌ای که از تحلیل تک تک واژگان و سپس استخراج مقوله‌ای کلی از متن، معنایی فراتر از آنچه در نگاه اول حاصل شده بود، ایجاد می‌شود (فیروزان، ۱۳۶۰، ص ۲۱۱).

تحلیل محتوا در ارتباط با متنی معنی پیدا می‌کند که آن متن برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم معینی نوشته شده باشد و دارای ماهیتی مشخص باشد؛ لذا تحلیل محتوا در مورد واژگان عامیانه‌ای که دارای مفاهیم ساده بدیهی و مشخصی هستند به کار نمی‌رود. از آن‌جا که در این روش تلاش می‌شود در فرایندی معکوس، مراحل شکل‌گیری و ایجاد یک متن شناسایی شده و از این طریق به واکاوی ماهیت متن پرداخته و متن را تحلیل نمود، پس تبیین قابل قبول‌تری از پدیده اختلاف در فهم متون دینی ارائه داده و واقعیت را بهتر نشان می‌دهند. (مقدم و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۲).

روش تحلیل محتوا بسیار متفاوت از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد^۳ می‌باشد. در روش نظریه-پردازی داده‌بنیاد از طریق فرایند استقرایی و حرکت از جزء به کل، به دنبال کشف نظریات روشن-گر و صادق است در حالی که روش تحلیل محتوا به دنبال ارائه نظریات جدید نیست، بلکه محقق با استفاده از الگوهای موجود، تنها به تحلیل داده‌ها می‌پردازد. به عبارت دیگر این روش، روش استنباط از داده‌ها نیست، بلکه به پژوهشگر کمک می‌کند مطابق اهداف پژوهش با دقت و به صورت روشمند، به گویاسازی متن و استخراج مضامین از پیش تعیین‌شده آن پرداخته، آن‌ها را دسته‌بندی کرده و به استنتاج از آن‌ها بپردازد (همان، ۱۳۹۵، ص ۴۴).

به صورت جزئی‌تر، این روش نخست با نگاه به واژگان کلیدی هر آیه، مفاهیم تشکیل‌دهنده مضامین و نقاط تمرکز آن که بیانگر کلیت فضای حاکم بر هر متن و جمله است، استخراج می‌شود. در مرحله دوم با درج متن اصلی آیه در جداول تحلیل محتوا، به استخراج نتیجه‌گیری‌ها و نقاط تمرکز هر کدام از جملات تقطیع‌شده پرداخته می‌شود. پس از آن فرایند تحلیل محتوا و تبدیل جملات به گزاره‌ها و مضامین و استخراج موضوعات اصلی و فرعی آغاز می‌شود.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

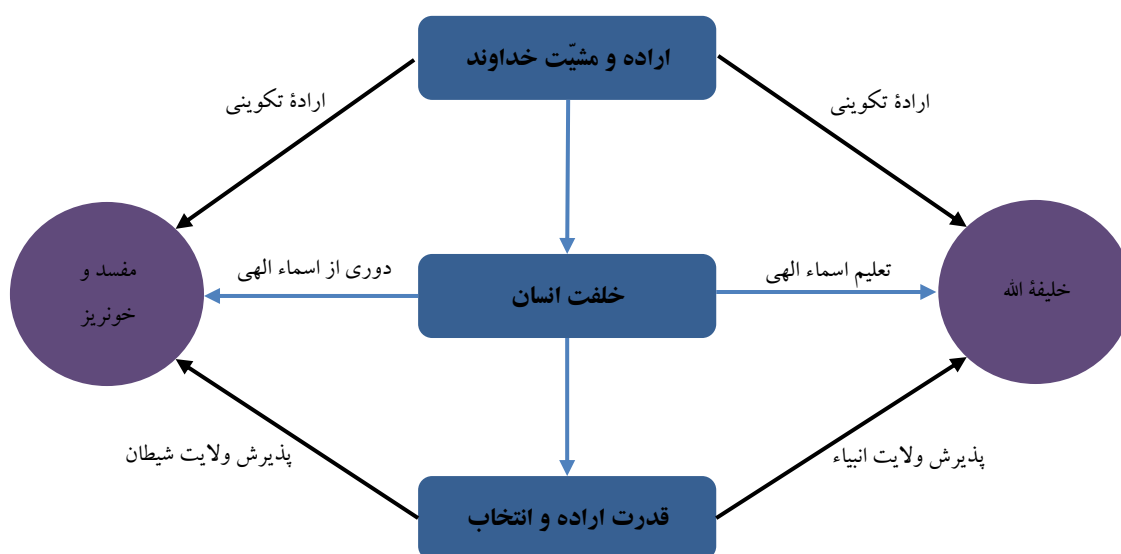
۱ - content analysis

۲ - qualitative analysis

۳ -Grounded theory

نقطه شروع تمام تحلیل‌ها در نظام اقتصادی اسلام این است که خداوند زنده و پویا است^۱، بر تمام امور عالم تسلط دارد^۲، هیچ اتفاقی در عالم رخ نمی‌دهد مگر با اذن و اراده خداوندی^۳ و او هر لحظه در حال تدبیر و تربیت آفریده‌های خویش است تا به کمال وجودی خود برسند^۴. به همین دلیل بررسی مفهوم انسان اقتصادی باید ذیل همین اعتقاد و آثار و نتایج آن بررسی گردد.

به نظر می‌رسد، بهترین نقطه آغاز تحلیل انسان در نظام اقتصادی اسلام آیات ۳۰ تا ۳۷ سوره بقره باشد. در این آیات دو وجهه، از انسان به نمایش گذاشته می‌شود که یک روی آن فساد و خونریزی و روی دیگر آن مقام بالای خلیفه‌اللهی است. نقطه عطف این دو وجهه، «تعلیم اسماء» است که توسط خداوند به حضرت آدم (ع) انجام می‌شود:



شکل ۱: تحلیل خلقت انسان و مسیرهای پیش روی او بر اساس آیات ۳۰ تا ۳۷ سوره بقره

۱- ۲۵۵، بقره ۱

۲- ۱۲۶، نساء ۲

۳- ۱۱، تغابن ۳

۴- ۱، فاتحه ۴

آنچه از مذاقه در آیات مذکور برمی آید، این است که وجه تمایز اصلی انسان با فرشتگان، «تعلیم اسماء الهی» به انسان است که او را بر عبادت و تسبیح فرشتگان برتری داده و از صفات فساد و خونریزی دور کرده است. قرآن کریم در ادامه آیات به این موضوع اشاره می کند که شیطان این مقام را برای انسان نپذیرفته و خود را دشمن آشکار وی معرفی می کند. خداوند نیز با اعطای اراده به بشر او را در بوته امتحان گذاشته تا حرکت او به سمت مقام خلیفه اللهی را بیازماید. بنابراین انسان یا از اختیار خود به درستی استفاده کرده و با دشمنی شیطان مقابله می کند، یا اختیار خود را به انحراف کشانده و ولایت شیطان را می پذیرد.

برای درک بهتر مفهوم انسان و آنچه در ذات او ممکن است ظهور و بروز پیدا کند، از آیات دیگری از قرآن کریم نیز می توان کمک گرفت. جدول زیر به ارائه این آیات و صفات موجود در سرشت انسان می پردازد:

جدول ۱: بررسی صفات وجودی انسان در قرآن کریم

ردیف	متن آیه و ترجمه آن	کلیدواژه	نقطه تمرکز آیات
۱	(۲۸، نساء) خدا می خواهد بر شما سبک کند؛ و انسان ناتوان آفریده شده است	ضعف انسان در تمایلات مادی خود	وجود اراده در سرشت انسان و اختیار او در انتخاب مسیر ایمان یا کفر
۲	(۳۴، ابراهیم) و از هر چیزی که از او خواستید، به شما عطا کرد. و اگر نعمت های خدا را بشمارید، هرگز نمی توانید آنها را به شماره درآورید. مسلماً انسان بسیار ستمکار و ناسپاس است.	کفر انسان نسبت به وفور نعمات مادی خداوند	
۳	(۴، نحل) انسان را از آبی اندک و بی ارزش آفرید، پس آن گاه ستیزه جویی آشکار است.	با آنکه انسان مخلوق است و در خلقت خود ضعف دارد؛ اما گاهی نسبت به خدا و دین او دشمنی آشکاری دارد.	
۴	(۱۱، اسرا) و انسان به همان صورت که نیکی ها را می طلبد، بدی ها را می طلبد و انسان بسیار شتاب زده و عجول است.	تمایل به خیر و شر در وجود انسان	
۵	(۶۷، اسرا) و زمانی که در دریا سختی و آسیبی به شما رسد، هر که را جز او می خوانید ناپدید و گم می شود، و هنگامی که شما را به سوی خشکی نجات دهد [از خدا] روی می گردانید. و انسان بسیار ناسپاس است.	تمایل انسان به کفر و ناسپاسی	
۶	(۵۴، کهف) بی تردید در این قرآن از هر گونه مثلی برای مردم بیان کردیم؛ و انسان از هر چیزی برخوردارش ستیزه جوتر است.	تمایل انسان به دشمنی و سرکشی	
۷	(۶۶، مریم) و انسان می گوید: آیا زمانی که بمیرم به راستی زنده [از خاک] بیرونم می آورند؟	عدم باور به معاد و محدود کردن زندگی به دنیا توسط انسان ها	

ردیف	متن آیه و ترجمه آن	کلیدواژه	نقطه تمرکز آیات
۸	(۶۷، مریم) آیا انسان به یاد نمی آورد که ما او را پیش از این در حالی که چیزی نبود، آفریدیم.	یازمندی انسان به خالق ازلی و ابدی	
۹	(۶۶، حج) و اوست که به شما حیات داد، سپس شما را می میراند، آن گاه شما را زنده می کند؛ به یقین که انسان بسیار ناسپاس است.	عدم باور انسان ها به معاد و کفر نسبت به پروردگار	
۱۰	(۱۵، زخرف) و [مشرکان] برای خدا از میان بندگان قطع های و جزیی [به عنوان فرزند که از او جدا شده] قرار دادند؛ قطعاً انسان کفران کننده آشکاری است.	جهل انسان نسبت به شناخت خالق و شرک ورزی او	
۱۱	(۱۶، ق) همانا انسان را آفریدیم و همواره آنچه را که باطنش به او وسوسه می کند، می دانیم، و ما به او از رگ گردن نزدیک تریم.	ظرفیت انتخابی نفس انسان و تمایل به پذیرش وسایس شیطان	
۱۲	(۳، قیامت) آیا انسان گمان می کند که ما هرگز استخوان هایش را جمع نخواهیم کرد؟	عدم باور به معاد و محدود کردن زندگی به دنیا توسط انسان ها	
۱۳	(۳۶، قیامت) آیا انسان گمان می کند بیهوده و مهمل رها می شود؟	هذمندی بودن خلقت انسان	
۱۴	(۳، انسان) آیا بر انسان زمانی از روزگار گذشت که چیزی در خور ذکر نبود؟ ما انسان را از نطفه آمیخته و مختلطی آفریدیم و او را از حالتی به حالتی و شکلی به شکلی درآوردیم، پس او را شنوا و بینا قرار دادیم. ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس.	قرار دادن ابزار هدایت برای انسان و قدرت انتخاب او در پذیرش یا رد آن	
۱۵	(۱۷، عبس) مرگ بر انسان، چه کافر و ناسپاس است!	ظرفیت ارادی انسان در انتخاب کفر	
۱۶	(۶، انفطار) ای انسان! چه چیزی تو را به پروردگار بزرگوارت مغرور کرده است؟	وجود تکبر در سرشت انسان	
۱۷	(۶، انشقاق) ای انسان! یقیناً تو با کوشش و تلاشی سخت به سوی پروردگارت در حرکتی، پس او را دیدار می کنی	دنیا عرصه تلاش سخت برای رسیدن به آخرت است و منزلگاه آخرتی ملاقات با خدا است.	
۱۸	(۶، عادیات) قطعاً انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است	کفر انسان نسبت به پروردگار	
۱۹	(۲ و ۳، عصر) بی تردید انسان در زبان کاری بزرگی است. مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده اند.	زندگی بدون ایمان و عمل صالح در دنیا، خسارت محض است	
۲۰	(۵، یوسف) [پدر] گفت: ای پسرک من! خواب خود را برای برادرانت مگو که نقشه ای خطرناک بر ضد تو به کار می بندند، بدون شک شیطان برای انسان دشمنی آشکار است.	نفس انسان قابلیت حسادت ورزی دارد و مورد نفوذ شیطان است.	دشمنی آشکار شیطان
۲۱	(۵۳، اسرا) و به بندگانم بگو: سخنی را که نیکوتر است، بگویند؛ زیرا شیطان میان آنان دشمنی و نزاع می افکند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است.	اختلاف و دشمنی بین انسان ها توسط شیطان.	با انسان و دعوت

ردیف	متن آیه و ترجمه آن	کلیدواژه	نقطه تمرکز آیات
۲۲	(۲۹، فرقان) بی تردید مرا از قرآن پس از آنکه برایم آمد همراه کرد. و شیطان همواره انسان را وامی‌گذارد؛	دعوت به گمراهی انسان توسط شیطان	و وسوسه او برای انتخاب مسیر شر (کفر)
۲۳	(۱۶، حشر) * [داستان منافقان که کافران از اهل کتاب را با وعده‌های دروغ فریفتند] چون داستان شیطان است که به انسان گفت: کافر شو. هنگامی که کافر شد، گفت: من از تو بیزارم، من از خدا که پروردگار جهانیان است، می‌ترسم.	دعوت به طغیان و کفر انسان نسبت به خداوند توسط شیطان	
۲۴	(۶ و ۷علق) این چنین نیست مسلماً انسان سرکشی می‌کند. برای اینکه خود را بی‌نیاز می‌پندارد.	قابلیت سرکشی انسان به دلیل انباشت بیش از حد ثروت	
۲۵	(۱۵ و ۱۶ فجر) اما انسان، هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و گرامی داردش و نعمتش بخشد، می‌گوید: پروردگارم مرا گرامی داشت، و اما چون او را بیازماید، پس روزی‌اش را بر او تنگ گیرد، گوید: پروردگارم مرا خوار و زیون کرد.	افراط و تفریط در رفتار انسان، هنگام بروز سختی‌ها یا گشایش‌ها	
۲۶	(۱۹، معارج) همانا انسان حریص و بی‌تاب آفریده شده است؛	انسان حریص و بی‌تاب است مگر زمانی که به معاد ایمان دارد، نماز می‌خواند و صدقه می‌دهد	
۲۷	(۱۲، یونس) و چون انسان را گزند و آسیبی رسد، ما را به پهلوی خوابیده یا نشسته یا ایستاده می‌خواند، پس زمانی که گزند و آسیب را برطرف کنیم، آن‌چنان به راه ناسپاسی و گناه می‌رود که گویی هرگز ما را برای برطرف کردن گزند و آسیبی که به او رسیده نخوانده است!! اینگونه برای اسراف‌اران اعمالی که همواره انجام می‌دادند، آراسته شده است.	افراط و تفریط انسان هنگام مواجهه به گشایش‌ها یا سختی‌ها	عدم بهیمنی رفتار انسان هنگام برخورد با سختی‌ها یا تنگناها
۲۸	(۹، ۱۰ و ۱۱ هود) و اگر از سوی خود رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او سلب کنیم بسیار نومید شونده و کفران‌کننده است. و اگر پس از گزند و آسیبی که به او رسیده خوشی و رفاهی به او بچشانیم، قطعاً خواهد گفت: همه آسیب‌ها از فضای زندگی‌ام رفت. در آن حال بسیار شادمان و خودستا خواهد بود. مگر کسانی که شکیبایی ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند، اینانند که برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است	افراط و تفریط انسان هنگام مواجهه به گشایش‌ها یا سختی‌ها و نقش ایمان و صبر در تعادل روحی	
۲۹	(۸۳، اسرا) و زمانی که به انسان نعمت می‌بخشیم روی بگرداند و خود را مغرورانه از ما دور کند، و هنگامی که آسیبی به او برسد بسیار نومید و مأیوس شود.	افراط و تفریط انسان هنگام مواجهه به گشایش‌ها یا سختی‌ها	
۳۰	(۱۰۰، اسرا) [به این کافران] بگو: اگر شما مالک خزینه‌های رحمت پروردگارم بودید، در آن صورت از ترس از اتفاق کردن آن بخل می‌ورزیدید؛ و انسان همواره بسیار بخیل و تنگ‌نظر است.	انسان کافر بخیل و انحصارطلب است	
۳۱	(۳۷، انبیا) انسان از شتاب و عجله آفریده شده است؛ به زودی عذاب‌هایم را به شما نشان خواهیم داد، پس [آن را] به شتاب از من نخواهید.	عجله در نزول عذاب نشانه کفر و سرکشی انسان است.	

ردیف	متن آیه و ترجمه آن	کلیدواژه	نقطه تمرکز آیات
۳۲	(۴۹، زمر) پس چون انسان را آسیبی رسد، ما را بخواند، سپس هنگامی از سوی خود نعمتی به او می‌دهیم، می‌گوید: فقط آن را بر پایه دانش و کاردانی خود یافته‌ام. بلکه آن نعمت آزمایشی است ولی بیشتر آنان معرفت و آگاهی ندارند.	جهل انسان نسبت به آزمایشات مادی خداوند و سرکشی او	
۳۳	(۵۱، فصلت) و هنگامی که به انسان نعمت عطا می‌کنیم روی بر می‌گرداند و از ما دور می‌شود، و چون آسیبی به او رسد به دعای فراوان و طولانی روی می‌آورد.	قابلیت سرکشی انسان به دلیل انباشت بیش از حد ثروت	
۳۴	(۴۸، شورا) پس اگر روی برگردانند ما تو را بر آنان نگره‌بان و مراقب نفرستاده‌ایم، جز رساندن [پیام وحی] بر عهده تو نیست، و هنگامی که ما از سوی خود رحمتی به انسان بپشانیم، به آن سرمست و مغرور می‌شود، و اگر به سبب گناهی که مرتکب شده‌اند آسیبی به آنان رسد [رحمت حق را فراموش می‌کنند]، بی‌تردید انسان بسیار ناسپاس است.	انسان کافر دچار افراط و تفریط است.	
۳۵	(۸، زمر) و چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را در حال بازگشت به سوی او می‌خواند، سپس چون او را نعمتی از جانب خود عطا کند، آن آسیب را که پیش‌تر برای برطرف‌شدنش دعا می‌کرد، فراموش می‌کند و دوباره برای خدا همتیانی قرار می‌دهد تا از راه خدا همراه کند. بگو: اندک زمانی از کفر خود برخوردار باش، بی‌تردید تو از اهل آتشی.	جهل انسان نسبت به آزمایشات مادی خداوند و سرکشی او	

منبع: قرآن کریم و یافته‌های پژوهش

همان‌طور که از جدول بالا پیدا است، در خصوص انسان، صفات و رفتارهایی که از این صفات ناشی می‌شود، سه موضوع اصلی نمایان می‌گردد: «وجود اراده در سرشت انسان در انتخاب مسیر ایمان یا کفر»، «دشمنی آشکار شیطان با انسان و دعوت او برای انتخاب مسیر کفر» و «عدم بهینگی رفتار انسان هنگام برخورد با سختی‌ها». به عبارت دیگر در تمامی آیاتی که انسان را توصیف می‌کنند، حداقل یک صفت منفی برای وی معرفی می‌گردد. این نشان می‌دهد که انسان در سرشت خود صفاتی را دارد که بهینه نبوده و می‌تواند به خود و دیگران آسیب وارد کند.

این سه موضوع به همراه تحلیل آیات ۳۰ تا ۳۷ سوره بقره نشان می‌دهد که اصل «لیبرالیسم اقتصادی» و آزاد گذاشتن بشر برای دستیابی به حداکثر منافع شخصی، اصل نادرستی است. بشری که از وحی جدا باشد و یا نظارتی و حیانی روی رفتارهای او وجود نداشته باشد، به راحتی در دام وسوسه‌های شیطان گرفتار شده و در زمین به ظلم و فساد مشغول می‌شود.

اما برای تحلیل دقیق‌تر موضوع، لازم است دو وجهه وجود آدمی یعنی فساد و خونریزی در مقابل مقام خلیفه‌اللهی در آیات به طور دقیق بررسی گردد، تا بتوان گفت کدام وجهه بحران‌زا است و کدام وجهه جامعه را به سمت تعالی سوق می‌دهد. همان‌طور که گفته شد، نقطه مقابل مقام

خلیفه‌اللهی، فساد و خونریزی در زمین است. قرآن کریم مفسدان را هم‌ردیف کافران دانسته و کافران را نیز دشمن مؤمنان معرفی کرده است.

جدول ۲: بررسی رابطه مفهومی کفر و فساد

ردیف	متن آیه و ترجمه	کلیدواژگان	نقطه اصلی تمرکز
۱	(۲۸، ص) آیا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند مانند مفسدان در زمین قرار می‌دهیم یا پرهیزکاران را چون بدکاران؟	ایمان + عمل صالح در مقابل فساد/ تقوا در مقابل فجور	مفسدان دشمن مؤمنین بوده و مقام خلیفه‌اللهی همان مقام ایمان حقیقی است.
۲	(۶۴، مائده) و یهود گفتند: دست خدا بسته است. دست‌هاشان بسته باد و به کيفر گفتار باطلشان بر آنان لعنت باد؛ بلکه هر دو دست خدا همواره گشوده و باز است هرگونه بخواهد، روزی می‌دهد. و مسلماً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده است، بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان می‌افزاید. و ما میان آنان تا روز قیامت کینه و دشمنی انداختیم. هر زمان آتشی را برای جنگ افروختند خدا آن را خاموش کرد، و همواره در زمین برای فساد می‌کوشند، و خدا مفسدان را دوست ندارد.	خداوند معمار بازنشسته است/ کافران همان مفسدان روی زمین هستند!	
۳	(۲۹، فتح) * محمد، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند، همواره آنان را در رکوع و سجود می‌بینی که پیوسته فضل و خشنودی خدا را می‌طلبند؛ نشانه آنان در چهره‌شان از اثر سجود پیداست، این است توصیف آنان در تورات، و اما توصیفشان در انجیل این است که وجودشان چون زراعتی است که جوانه‌های خود را رویانده پس تقویتش کرده تا ستر و ضخیم شده، و در نتیجه بر ساقه‌هایش ایستاده است، به طوری که دهقانان را به تعجب می‌آورد تا خدا به وسیله مؤمنان، کافران را به خشم آورد. [و] خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.	دشمنی مؤمنان با کافران	
۴	(۷۳، انفال) و آنان که کافرنند، دوستان و یاران یکدیگرند [و] اگر شما فرمان پیوند ابا اهل ایمان و قطع رابطه با کافران را به اجرا نگذارید فتنه و فساد بزرگ در زمین پیدا خواهد شد.	کافران به دنبال ایجاد فتنه و فساد در زمین هستند	

منبع: قرآن کریم و یافته‌های پژوهش

پس به راحتی طبق یک قاعده منطقی، می‌توان گفت مفسدان همان کافران هستند؛ کافران دشمن مؤمنین می‌باشند. پس مفسدان دشمن مؤمنین می‌باشند. از طرف دیگر چون نقطه مقابل

مقام خلیفه‌اللهی فساد و فساد نقطه مقابل ایمان است، می‌توان گفت شرط رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی، رسیدن به مقام ایمان حقیقی است و دوری از ایمان حقیقی، نزدیکی به فساد و پذیرش ولایت شیطان است. به این ترتیب می‌توان ویژگی‌های مفسدان و ویژگی‌های مؤمنان را در قرآن بررسی کرده و با هم مقایسه نمود:

جدول ۳: مقایسه ویژگی مفسدان و مؤمنان در قرآن

ردیف	متن آیه و ترجمه	کلیدواژگان	نقطه اصلی تمرکز
۱	(۸۵، اعراف) و به سوی مردم مدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم]، گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که شما را جز او معبودی نیست، یقیناً برهانی روشن از سوی پروردگارتان برای شما آمد، پس پیمانۀ و ترازو را تمام و کامل بدهید، و از اجناس و اموال و حقوق مردم مکاهید، و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید، این برای شما بهتر است، اگر مؤمنید	فساد در برابر ایمان / از نشانه‌های فساد: کم فروشی، گران فروشی	
۲	(۸۴، هود) و به سوی مدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم]، گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، شما را جز او هیچ معبودی نیست؛ و از پیمانۀ و ترازو مکاهید، همانا من شما را در توانگری و نعمت ای که بی نیاز کننده از کم‌فروشی است [می‌بینم و بر شما از عذاب روزی فراگیر بیمناکم.	کم فروشی، گران فروشی و ... باعث از بین رفتن نعمت خداوندی	
۳	(۸۵، هود) و ای قوم من، پیمانۀ و ترازو را عادلانه کامل و تمام بدهید، و اجناس مردم را کم‌شمارتر و کم‌ارزش‌تر به حساب نیاورید و در زمین تبهارانه فتنه و آشوب برپا نکنید.	مصادیق فساد: کم فروشی، دستکاری قیمت‌ها، گران فروشی و ...	
۴	(۱۸۳، شعرا) و از قیمت اشیا و اجناس مردم به هنگام خرید نگاهید، و در زمین تبهارانه فتنه و آشوب برپا نکنید.	مصادیق فساد: کم فروشی و گران فروشی	
۵	(۲۰۵، بقره) و هنگامی که [چنین دشمن سرسختی] قدرت و حکومتی یابد، می‌کوشد که در زمین فساد و تباهی به بار آورد، و زراعت و نسل را نابود کند؛ و خدا فساد و تباهی را دوست ندارد	نابودی زراعت و نابودی نسل مصادیق مهم فساد	یکی از جنبه‌های مهم فساد، فساد اقتصادی است.
۶	(۱۱۶، هود) پس چرا در میان امت‌هایی که پیش از شما بودند، مصلحانی دلسوز نبودند که از فساد در زمین بازدارند؟ مگر اندکی که نجاتشان دادیم. و آنان که ستم کردند، دنباله رو چیز از نعمت و ثروت شدند و آنان گنهکار بودند.	مادی‌گرایی و دلبسته ثروت و قدرت بودن باعث ایجاد فساد می‌گردد.	
۷	(۶۰، بقره) * و آن‌گاه که موسی برای قومش درخواست آب کرد، پس گفتیم: عصایت را به این سنگ بزن. پس دوازده چشمه از آن جوشید به طوری که هر گروهی چشمه ویژه خود را شناخت. از روزی خدا بخورید و بیاشامید و تبهارانه در زمین فتنه و آشوب بر پا نکنید.	عدم قناعت به روزی خداوند و تجاوز به مال و دارایی دیگران از مصادیق فتنه و فساد است.	
۸	(۴، قصص) همانا فرعون برتری جویی و سرکشی کرد و مردمش را گروه گروه ساخت، در حالی که گروهی از آنان را ناتوان و زیون گرفت، پسرانشان را سر می‌برد، و زنانشان را زنده می‌گذاشت؛ بی تردید او از مفسدان بود.	تفرقه، ایجاد فقر، قتل و کشتار از مصادیق مهم فساد.	
۹	(۱۱۰، آل عمران) شما بهترین امتی هستید که پدیدار شده‌اید، به کار شایسته و پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند و زشت باز می‌دارید، و به خدا ایمان می‌آورید. و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند قطعاً برای آنان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمن و بیشترشان فاسقند.	ملاک برتری از نظر خداوند: امر به معروف، نهی از منکر و ایمان به	

ردیف	متن آیه و ترجمه	کلیدواژگان	نقطه اصلی تمرکز
		خدا.	
۱۰	(نساء، ۱۶۲) ولی از میان آنان، ثابت‌قدمان در دانش، مؤمنان برپادارندگان نماز، پرداخت‌کنندگان زکات، مؤمنان به خدا و روز قیامت، به آنچه بر تو و پیش از تو نازل شده ایمان واقعی می‌آورند آنان هستند که یقیناً پاداش بزرگی به ایشان عطا خواهیم کرد.	شرط پاداش بزرگ خداوند: ثبات قدم در علم، ایمان، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات.	
۱۱	(۲ تا ۴ انفال) مؤمنان، فقط کسانی هستند که چون یاد خدا شود، دل‌هایشان ترسان می‌شود، و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان می‌افزاید، و بر پروردگارشان توکل می‌کنند. هم آنان که نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. مؤمنان واقعی و حقیقی فقط آنانند، برای ایشان نزد پروردگارشان درجاتی بالا و آمرزش و رزق نیکو و فراوانی است.	نشانه ایمان حقیقی: خشوع قلب، توکل، برپایی نماز، انفاق از روزی شخصی/ بهترین جایگاه‌ها و پاداش‌ها در سرای آخرت اعطا می‌شود.	
۱۲	(۷۱، توبه) مردان و زنان باایمان دوست و یار یکدیگرند؛ همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارند، و نماز را برپا می‌کنند، و زکات می‌پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می‌نمایند؛ یقیناً خدا آنان را مورد رحمت قرار می‌دهد؛ زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است.	شرط رحمت خدا: امر به معروف و نهی از منکر، برپایی نماز، پرداخت زکات، اطاعت از خدا و پیامبرش.	
۱۳	(۱۳۹، آل عمران) و سستی نکنید و اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید.	شرط برتری: ایمان حقیقی، عدم تنبلی و عدم ناراحتی و ترس	مؤمنانی که اعمال نیکو انجام می‌دهند؛ همان جانشینان خداوند هستند/
۱۴	(نساء، ۱۴۶) مگر کسانی که توبه کردند، و [مفاسد خود را] اصلاح نمودند، و به خدا تمسک جستند، و عبادتشان را برای خدا خالص ساختند؛ پس آنان در زمره مؤمنانند، و خدا به مؤمنان پاداشی بزرگ خواهد داد.	توبه، اصلاح رفتار، تمسک به خدا، خلوص دین نشانه‌های مؤمن حقیقی و شرط اعطای پاداش عظیم.	مهم‌ترین اعمال صالح، اعمال صالح اقتصادی است.
۱۵	(۴، فتح) اوست که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد، تا ایمانی بر ایمانشان بیفزاید. و سپاهیان آسمان و زمین فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست؛ و خدا همواره دانا و حکیم است.	مهم‌ترین نشانه ایمان: آرامش قلب	
۱۶	(۳ تا ۵ بقره) آنان که به غیب ایمان دارند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. و آنان که به آنچه به سوی تو و به آنچه پیش از تو نازل شده، مؤمن هستند و به آخرت یقین دارند. آنانند که از سوی پروردگارشان بر هدایت‌اند و آنانند که رستگاران	ایمان به غیب، برپایی نماز، انفاق از روزی شخصی، باور به سرای آخرت شروط رستگاری	
۱۷	(۶۵ و ۶۶ مائده) و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری می‌کردند، یقیناً گناهانشان را محو می‌کردیم، و آنان را در بهشت‌های پر نعمت درمی‌آوردیم. و اگر آنان تورات و انجیل و آنچه را که از سوی پروردگارشان به آنان نازل شده برپا می‌داشتند، بی‌تردید از برکات آسمان و زمین بهره‌مند می‌شدند. از آنان گروهی میانه‌رو و معتدل‌اند، و بسیاری از آنان بد است آنچه را انجام می‌دهند.	ایمان + تقوا = محو گناهان و جایگاه‌های والای آخرتی/ عمل به دستورات دینی = نزول برکات فراوان از	

ردیف	متن آیه و ترجمه	کلیدواژگان	نقطه اصلی تمرکز
		آسمان و زمین	
۱۸	(۹۶، اعراف) و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، یقیناً برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می‌شدند گرفتار کردیم.	ایمان + تقوا = فتح باب نزول برکات بی‌حد و حصر از آسمان و زمین	
۱۹	(۹۸، یونس) پس چرا هیچ شهری نبوده است که ایمان بیاورند تا ایمانشان به آنان سود دهد؟ مگر قوم یونس که وقتی ایمان آوردند، عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و آنان را تا پایان عمرشان بر خوردار نمودیم.	ایمان + اطاعت از پیامبر = زندگی بدون سختی و تنگنا	
۲۰	(۵۵، نور) خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین کند، همان‌گونه که پیشینیان آنان را جانشین کرد، و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و محکم نماید، و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا پرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند. و آنان که پس از این نعمت‌های ویژه ناسپاسی ورزند فاسق‌اند.	خلیفه‌الله = ایمان + عمل صالح	

منبع: قرآن کریم و یافته‌های پژوهش

همانطور که از جدول شماره ۳ مشخص است، مفسدان همان کافرانی هستند که به دنبال نفع شخصی خود بوده و در این راه از قتل و خونریزی نیز ابایی ندارند. آنان بازار را به هم زده و با احتکار و انحصار، شرایط تأمین کالاهای ضروری زندگی را برای بقیه سخت‌تر می‌کنند. این آیات قرآن کریم دقیقاً همان چیزی است که جامعه سرمایه‌داری در قرن نوزدهم و بیستم در فاجعه‌بارترین حالت خود تجربه کرده و نتایج شدید آن را - که نظام اقتصاد سرمایه‌داری را تا مرز فروپاشی برد- به چشم دیدند. این نتایج در دهه‌های بعد به شکل‌های دیگری بروز پیدا کرده و همچنان بحران را در ذات این نظام نگاه داشته‌اند.

از طرف دیگر قرآن کریم مؤمنان را انسان‌هایی معرفی می‌کند که در قدم اول اعتقاداتی درست و راسخ دارند، و در قدم دوم اعمالی شایسته و مفید انجام می‌دهند. در واقع مؤمنین حقیقی همانطور که وظیفه دارند نماز را در جامعه برپا دارند و در گشایش‌ها و سختی‌ها به خدا توکل کنند، نیز وظیفه دارند که امانت‌دار خوبی بوده و منابع روی زمین را به درستی به کار بگیرند. همچنین باید از مال خود به مقدار معینی به افراد نیازمند انفاق کرده و زکات را در جامعه زنده نگه دارند. به عبارت بهتر برخلاف نظام اقتصاد سرمایه‌داری که به دنبال کسب حداکثر منفعت شخصی است و برای این لذت‌گرایی رقابت را پیشنهاد می‌کند - و در جریان این رقابت ضعیف‌ترها از بازار حذف می‌گردند-، نظام اقتصادی اسلام افرادی را تربیت می‌نماید که هم بهره خود را از دنیا برداشته و عزتمند زندگی می‌کنند، هم از مال خود به دیگران بخشیده و ثروت را در جامعه به جریان در

می‌آورند. این قضیه آنجایی اهمیت پیدا می‌کند که اقتصاددانان مختلفی در سراسر دنیا خطر انباشت ثروت و قرار گرفتن این ثروت در دست افراد معدودی از جامعه را گوشزد کرده و آن را یکی از عوامل سقوط و فروپاشی نظام اقتصاد سرمایه‌داری به حساب آورده‌اند (پیکتی، ۱۳۹۳). آیات مذکور همچنین اصلی‌ترین نظریهٔ آدام اسمیت مبنی بر «دست نامرئی» را به کلی رد می‌کنند. آدام اسمیت عقیده داشت که افراد برای حداکثر کردن سود خود در بازار رقابت کرده و سازوکار قیمت‌ها به این رقابت جهت می‌دهد و در نهایت بازار را به تعادل می‌رساند. یعنی برطرف شدن نفع تک تک افراد نفع عمومی کل جامعه را تأمین می‌کند. اما قرآن کریم با معرفی سرشت انسان، نشان می‌دهد که وی با قدرت انتخابی که دارد، می‌تواند کفر و صفات رذیله را بر سایر صفات نیکوی سرشتش ارجحیت داده و با گسترش فساد و خونریزی، نظم و آرامش جامعه را دچار اختلال نماید.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظام اقتصاد سرمایه‌داری انسانی را تعریف می‌کند که ذاتاً لذت‌طلب بوده و به دنبال حداکثر کردن منافع مادی خود می‌باشد. این انسان با قرار گرفتن در فضای رقابت و بهادادن به منافع شخصی خود باعث برقراری تعادل در کل اقتصاد می‌گردد. هر چند بحران‌های اقتصادی مختلف این نظریه که برطرف کردن نفع شخصی نفع عمومی جامعه را تأمین می‌کند، باطل کرده است، اما اقتصاددانان همچنان بر این عقیده هستند که نیروهای بازار باید آزاد گذاشته شوند تا با دنبال کردن منافع خود، منابع اقتصاد را به طور بهینه تخصیص داده و بازار را به تعادل برسانند. اما در نظام اقتصادی اسلام اعتقاد راسخ بر این است که انسان با وجود قدرت اراده‌ای که خداوند در وجودش قرار داده و دشمنی آشکاری که شیطان با او دارد، می‌تواند هم مسیر ایمان و هم مسیر فساد و انحراف را در پیش بگیرد. مسیر فساد با کم‌فروشی، گران‌فروشی، دلبستگی به ثروت و قدرت، انباشت ثروت، انحصار و احتکار قرابت داشته و با سرشت تربیت‌نشده و جدای از وحی انسان که شامل بخل، حرص، طمع، تکبر و ... است همخوانی دارد. اما مسیر ایمان علاوه بر اعتقادات درست قلبی شامل اعمال صالحه مانند عدل، انصاف، برادری، انفاق و ... نیز می‌گردد و همین اعمال صالحه رفتار یک انسان اقتصادی مسلمان را با یک انسان اقتصادی سرمایه‌داری متفاوت می‌گرداند. انسان اقتصادی در اسلام، تحت ولایت خداوند و پیامبر قرار دارد، اهل کار و تلاش و زندگی عزتمندانه است، انباشت ثروت و مال ندارد و در اموالش حق سائل و محروم کاملاً مشخص است. در واقع انسان اقتصادی مسلمان علاوه بر اینکه نفع شخصی خود را دنبال می‌کند، با عمل کردن به دستورات دین، بخشی از منافع شخصی خود را با سایر اعضای جامعه هماهنگ کرده و شریک می‌شود. این رفتارهای نیکو،

نه تنها به زندگی شخصی خود افراد برکت می دهد، بلکه رفاه را برای کل جامعه ایجاد کرده و از بروز فقرهای گسترده و بحران هایی که ناشی از انگیزه های سوداگرانه و کمبود تقاضای مؤثر است، جلوگیری می کند. در چنین جامعه ای مقام خلیفه اللهی محقق می گردد و برکات آسمان ها و زمین بی وقفه بر اهل آن نازل می شود. به عبارت دقیق تر، انسان اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام «انسانی است که هدف غایی خود را رسیدن به مقام خلیفه اللهی می داند. وی برای رسیدن به این مقام والا باید ایمان حقیقی داشته و تحت تربیت ولی خدا، به اعمال صالحه در جامعه بپردازد. این اعمال هم در سطح خرد رفاه افراد را تأمین می کنند، و هم با به جریان انداختن سرمایه و عدم انباشت ثروت در دست عده معدودی، نفع عمومی را در سطح کلان محقق می کنند». کمترین برکت و رفاه در چنین جامعه ای نبود فقر مطلق و انواع بحران های اقتصادی است.

منابع

۱. آربلاستر، آنتونی (۱۳۶۷). ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب. ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
۲. ابونوری، عباسعلی (۱۴۰۰). اقتصاد خرد، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، جلد اول، چاپ پنجم.
۳. اسمیت، آدام (۱۳۵۷). ثروت ملل، ترجمه سیروس ابراهیمزاده، تهران: انتشارات پیام، چاپ اول.
۴. باترا، راوی (۱۳۶۹). بحران بزرگ ۱۹۹۰، ترجمه خسرو اسدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، چاپ دوم.
۵. بافنده ایماندوست، صادق (۱۴۰۰). بررسی جایگاه انسان اقتصادی در اقتصاد متعارف، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات/اقتصاد/اسلامی، ۱۳(۱)، ۸۱-۱۰۶.
۶. پیکتی، توماس (۱۳۹۵). سرمایه در قرن بیست و یک، ترجمه اصلاان قودجانی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
۷. حسامی عزیزی، باقر، علی‌پور، احمد (۱۳۹۳). رویکردهای مختلف به انسان اقتصادی، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۳(۸)، ۱۴۷-۱۷۲.
۸. شعبانی، احمد، عربلو، مرتضی (۱۳۹۷). مؤلفه‌های کنترلی حاکم بر انگیزه و رفتار اقتصادی انسان (از منظر اقتصاد اسلامی)، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات/اقتصاد/اسلامی، ۱۰(۲)، ۱۵۴-۱۲۹.
۹. غفاری فرد، عباسقلی (۱۴۰۰). تاریخ اروپا از آغاز تا قرن بیستم، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ نهم.
۱۰. فیروزان، توفیق (۱۳۶۰). روش تحلیل محتوا، تهران: انتشارات آگاه، چاپ اول.
۱۱. کاظمی نجف‌آبادی، مصطفی، انصاری، نصرالله (۱۳۹۹). تأمین منافع عمومی از طریق رفتار عقلایی در اقتصاد سیاسی جدید و نهج‌البلاغه، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد/اسلامی، ۲۰(۷۸)، ۶۱-۳۳.
۱۲. مقدم، وحید، جانی‌پور، محمد و خلیلی، علی (۱۳۹۵). الگوی بازار قرض الحسنه بر اساس تحلیل محتوای آیات قرآن، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد/اسلامی، ۱۷(۶۵)، ۶۱-۳۳.

۱۳. میرکیایی، مهدی (۱۴۰۱). سرگذشت استعمار، تهران: انتشارات سوره مهر، جلد ششم: فاخته‌ها لانه ندارند، چاپ دوم.
۱۴. نمازی، حسین (۱۳۹۱). نظام‌های اقتصادی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
۱۵. واروفاکیس، یانیس (۱۳۹۸). مینوتار جهانی: آمریکا، اروپا و آینده اقتصاد جهان، ترجمه حسین تیموری، تهران: نشر اختران، چاپ اول.
۱۶. هادوی، علی‌اصغر (۱۳۸۲). الگوی انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۱۷. هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۹۸). الگوی انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۱۹(۸۴)، ۳۵-۶۳.
18. Beaudreau, Bernard C. (2012). A Humanistic theory of economic behavior. *The journal of Socio-economics*, 44, 222-234.
19. Bresser-Pereira, Luis Carlos (2017). Two forms of capitalism: developmentalism and economic liberalism. *Brazilian journal of political economy*, 4(149), 680-703.
20. Moller Stahl, Rune (2019). Economic Liberalism and the State: Dismantling the Myth of Naïve Laissez-Faire. *New Political Economy*, 24(4), 473-486.
21. Saunoris, James W. (2024). Individualism, economic freedom, and the development of the shadow economy. *Economic Systems*, 48(1).
22. Ma, Yuan; Liu, Changshn (2023). motional or rational choice: The influence of individual personality on energy-saving behavior. *Energy Economics*, 124.